

تاریخ: ۵۸/۳/۲۰

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی آمار ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

خواست و مقصد واحد اقشار ملت در نهضت، عنایتی الهی است. این از خصوصیت نهضت اسلامی است که همه قشرها در خدمت صادقانه اند، نه خدمت به حسب وظیفه ظاهری بلکه همه یک وظیفه الهی برای خودشان احراز کردند و یک خدمتی همه جامعه کردند که شما کارکنان آمار هم از همان جمیعت هستید. یعنی همه، همه و همه برای اسلام. اگر این یک نهضت ملی بود، نه شما اینقدر فعالیت می کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام را می خواهد، ملت کشور خودش را هم که می خواهد برای اسلام است. از بچه های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می زدند و این نهضت برای همین صیغه اسلامیست و برای همین که مقصد اسلام بود و قیام بر ضد طاغوت، قیام بر ضد کسانی که اسلام را می خواستند بشکنند و کارهایی کردند که اسلام را می خواستند به فراموشی بسپارند، یک قیامی بود که خدای تبارک و تعالی مدد فرمود که شما جمعیتی که همه متفرق بودید، همه از هم جدا بودید، همه با هم مجتمع شدید، ارتشی ها که بر ضد ما بودند، متصل شدند، آنهایی که اصلش کاری به این مسائل نداشتند وارد شدند، آنهایی که اگر کار داشتند، کم کار بودند پر کار شدند و همه با هم یک مقصد، همه با هم یک مقصد، یعنی از مرکز تا شعاع آن طرف، تا آخر مملکت، از آن طرف هم تا آخر از آنور، از آنور هم تا آخر همه با هم یک چیز می گفتند. یعنی در بیابان ها هم اگر شما می رفتید از یک چوپان می پرسیدید که توجه می خواهی؟ می گفت که جمهوری اسلامی. آن یک مسأله الهی بود، خدایی بود. یعنی خدا تأیید کرد شما را، و این را خیلی برای خودتان و برای خودمان افتخار می دانیم که در یک مرحله ای که رو به نابودی داشت یک مملکتی می رفت، اسلام رو به فراموشی می خواست برود، در یک چنین مرحله ای خداوند عنایت کرد و دست رحمتش را دراز کرد به طرف ملت و ملت همه با هم هر کس از هر جا می آمد داد می زد اسلام، طاغوت نه، رژیم نه، این یک مطلبی نبود که یک کسی بتواند خودش درست کند، این را خدا درست کرده.

محقق ساختن احکام اسلام، ضامن دوام رحمت و عنایت الهی

از این جهت که دست خدا در کار است، باید شما و ما و همه، کاری بکنیم که این دست رحمت بسته نشود، از روی سرما برداشته نشود و آن کار این است که همانطوری که تا حالا همه با هم بودیم و

«بدالله مع الجماعة» و همه برای خدا بود و خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود. حالا هم توجه به یک گرفتاری‌های شخصی عجالتاً نکنیم، الان هم توجهمان به همان مقصد باشد که این جمهوری اسلامی که حالا لفظش آمده است، معنا و محتوایش باز نیامده است، شما می‌بینید که در همه ادارات، در فرهنگ، در دادگستری، در سایر جاها باز یک صیغه اسلامی پیدا نکرده است، که ما اسمش را بگذاریم جمهوری اسلامی، ما رأی دادیم به جمهوری اسلامی، شما هم رأی دادید، الان جمهوری اسلامی است در ایران، اما محتوایش تا حالا تحقق پیدا نکرده، یعنی در هر اداره‌ای که برویم باز یک رنگ و بویی از سابق می‌بینیم او ما می‌خواهیم این رنگ و بو برود، و شسته بشود.

استقلال فکری را از ما گرفته‌اند

در رأس همه چیزها همانطوری که اشاره کردید فرهنگ است، فرهنگ ما که حالا می‌شود گفت از اولی که وجود پیدا کرد، این مدارس وجود پیدا کرد، از اول آن مخالفین ما توجه بدان داشتند برای اینکه آنها می‌دانستند که هر چه پیدا بشود از فرهنگ باید پیدا بشود. دو جناح بود که این دو جناح بیشتر از هر چیزی مورد توجه مخالفین ما بود، مخالفین اسلام نبود. یکی جناح روحانیت، یکی جناح فرهنگ، این دو تا قوه را اینها می‌دیدند که این دو تا است که می‌تواند یک مملکتی را استقلال به آن بدهند و اداره‌اش کنند و لهذا در هر دوی اینها کارشکنی کردند. در فرهنگ روی برنامه‌هایی که درست کردند، برنامه‌هایی نبود که درست به درد ما بخورد.

در روحانیت، کوبیدند روحانیت را در هر نوبت. از زمانی که رضاخان آمد، جز یک چند صباحی که می‌خواست بازی بدهد مردم را و اظهار دیانت کرد و اظهار چه کرد، از همان زمان عمده نظرش را دوخت روی روحانیت که اینها را از بین ببرد با هر بهانه‌ای توانست. او می‌دید که مجالس روضه‌هایی که برپا می‌شود و در تمام ایران است در تمام ده و قصبه و شهر و بیرون شهرها، این مجالس پربرکت هست و از این مجالس پربرکت می‌کن است که اشخاصی پیدا شوند و گروه‌هایی پیدا بشوند که جلوگیری از این استفاده‌های غیر مشروع را بکنند. این مجالس را اگر هر کدام شماها یادتان نیست، اکثراً شاید آقا (اشاره به یک پیرمرد روحانی) یادشان باشد، این مجالس را قدغن کردند در سرتاسر ایران، دیگر ما مجلس روضه نداشتیم در یک موقعی که اینطور بود، هیچی نداشتیم، سرتاسر مملکت را اینها کنترل می‌کردند مأمورینشان، که مبادا یک صدایی یک جا بلند بشود، روضه‌ای در یک جایی باشد و از آن طرف فشار به اینها برای اینکه عمامه‌ها را بردارید و عمامه‌ها را برداشتند.

و همین طور فرهنگ را، برنامه‌هایش را یک جوری درست کردند که آنجا دیگر نمی‌توانستند بگویند که فرهنگ نباشد، می‌گفتند باشد اما برنامه‌ها جوری درست شد که به درد خود ملت نخورد و بالاتر از این، این است که تبلیغات زیاد برای اینکه محتوای ما را از ما بگیرند، خودمان را به خودمان بدبین بکنند، دانشگاهی را از روحانی جدا کنند بلکه دشمن کنند، روحانی را با دانشگاهی جدا بکنند بلکه دشمن بکنند، بازاری را با کذا، همین طور اینها را محتوایشان را بگیرند و بدبین کنند و بندتر، از

این است که محتوای اشخاص را بگیرند که اطمینان به خودشان نداشته باشند. مثلاً ما طبیب داریم نه این است که ایران طبیب ندارد، طبیب دارد، الی ماشاء الله طبیب داریم، چه شده است که یک مریض وقتی پیدا می‌کنیم فوراً صحبت این است که «برود اروپا»، این برای این است که ما را به طبیب‌های خودمان بدبین کردند، طبیب داریم و بدبین شدیم. ما مهندس داریم، نمی‌توانیم بگوییم مهندس ما نداریم، اما این محتوا را از ما گرفته‌اند که اگر بخواهیم یک جاده‌ای را اسفالت کنند، مهندسش باید از خارج بیاید، از خارج می‌آوردند، یک کارخانه بخواهید درست کنید، یک بنای بزرگ بخواهید درست کنید، از خارج باید بیاید. این برای این است که همچنین تبلیغات کرده بودند که ما را از خودمان به خودمان بدبین کرده بودند، محتوایمان را بیرون کشیده بودند، ما یک آدم‌هایی بودیم که همه‌اش توجهمان به غرب بود. الان هم که ملاحظه می‌کنید الان همین طوری است، الان هم که ما می‌گوئیم اسلام، اسلام، شما می‌گوئید اسلام، اسلام، این گروه‌ها هم دور هم نشسته‌اند و می‌گویند دموکراسی، دموکراسی! چرا؟ برای اینکه اینها همچنین غربی شده‌اند، همچو غربزده شده‌اند که نمی‌توانند تصور بکنند که یک کشوری با برنامه اسلامی می‌تواند اداره بشود، اینها غفلت از این می‌کنند یا خودشان را به غفلت می‌زنند که ۷۰۰ - ۸۰۰ سال این اسلام بر همه ممالک حکومت کرد، حالا می‌گویند نه! ما جمهوری اسلامی نه، جمهوری دمکراتیک، این برای این است که محتوا ندارند اینها، اینها را تبلیغات همه جانبه‌ای که کردند همه را از این باطنشان بیرون آورده‌اند، مغزهایشان را به اصطلاح شستند و به جای او غرب را نشانده‌اند. استقلال فکری را از ما گرفته‌اند، استقلال خودمان را، شخصیتمان را از ما گرفته‌اند. ما استقلال شخصیت الان نداریم و باید فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا بکنیم، توجه بکنیم به تاریخ اسلام که بینیم اسلام در دنیا چه کرده و چه کارهایی انجام داده است که اینها که می‌گویند که از اسلام کاری نمی‌آید یا اینکه الان دیگر مثلاً قدیمی شده است اینها، از بابت اینکه نمی‌فهمند، اینها بسیارشان ملتفت نیستند، توجه نکردند، برای همین معنا که محتوا را غربی‌ها کشیدند و به جای آن تزریق غربیت کرده‌اند و لهذا همه چیز را می‌گویند از آنجا بیاور. خوب، شما می‌خواهید یک خیابان را آسفالت کنید، شما ندارید اشخاصی را که خیابان آسفالت کنند؟ شما می‌خواهید یک سمپاشی بکنید، ندارید اشخاص شما؟ می‌خواهید یک - عرض می‌کنم - کارخانه را راه بیندازید، دارید اشخاص لکن شما را از اشخاص خودتان جدا کردند، از شخصیت خودتان جدا کردند، ما می‌توانیم خودمان را اداره کنیم و بهتر هم می‌توانیم.

اسلام انسان‌ساز است و غرب نابودکننده انسانیت

شما خیال نکنید که غرب خبری هست در آنجا خبری نیست ما نمی‌گوئیم که آنها کارخانجات ندارند آنها درست کردند همه اینها را، اما اساس انسانیت در آنجا نیست اینها هر چه درست کردند، یعنی هر چه نه، شباهت از جنس‌ها را که درست کرده‌اند بر ضد انسانیت درست کرده‌اند، این غرب

بین می برد و ما خیال می کنیم که غرب همه چیز دارد، حالا که غرب اتومبیل درست کرد پس باید غرب همه چیز داشته باشد. در قوانین، ما قوانینمان غنی تر از همه قوانین عالم است. قوانین اسلام از آن قبل از اینکه شما ازدواج کنید برای ازدواجتان ترتیب درست کرده است برای اینکه این ازدواج طریق به این است که آدم درست بشود، از آنجا شروع کرده است. شما حالا می خواهید ازدواج کنید هیچ، هیچ قانونی در عالم کار به این ندارد که شما می خواهید ازدواج کنید چه جوری بکنید، شما ثبت کنید، در اداره ای که باید ازدواج را ثبت کنید، بکنید، باقی آن به خودتان مربوط است. اسلام از قبل از این که شما ازدواج کنید تصرف کرده، توجه کرده که این ازدواج مبدأ یک بچه است. این بچه باید درست بجا بیاید. نظیر یک کشاورز بسیار عطف دار، به اینکه کشاورزش خوب بشود از اول زمین را یک زمین صالحی درست می کند، آب را یک آب صالحی درست می کند، کشت را و تخم را یک تخم صالحی درست می کند. اسلام انسان ساز است می خواهد انسان درست کند. از قبل از اینکه شما ازدواج کنید، گفته، به زن گفته است چه مردی را انتخاب کند و به مرد گفته چه زنی را انتخاب کن، چه ادبی داشته باشد، و همین طور آن ازدواج را بعد از ازدواج را، آن عرض می کنم که چه را، بعد از او را، آن حمل را، بعد از او را، بچه داری را، برای اینکه اسلام انسان می خواهد درست کند. از آن اولی که می خواهد بنای یک اولادی بشود اسلام در آن تصرف دارد، اینکه همه، همه قوانین دنیا از آن غفلت دارد، هیچ توجهی بدان ندارند، اسلام بدان توجه دارد. اسلام می خواهد کاری بکند که شما در داخل صندوقخانه هم هیچ کاری نکنید برخلاف قوانین عالم، قوانین دیگر چه کار دارند به باطن، داخل خانهات هر کاری می خواهی بکن. به من چرا، شما نیا بیرون و نظم را به هم بزن، هر کاری می خواهی بکن. اسلام اینجور نیست. اسلام می خواهد انسان درست کند. این انسان را جوری می کند که در صندوقخانه و پشت در هم، همان باشد که در خیابان است نه اینکه در صندوقخانه هر کاری می خواهد بکند، در خیابان نکند. در صندوقخانه این آدم باید همان آدمی باشد که در خیابان است، در مجامع است، اسلام انسان می خواهد درست کند، انسانی که در همه حالات انسان باشد.

غرب از این اصلاً خبری ندارد. غرب دنبال این است که طیاره درست کند به انسان کار ندارد. عالم را انسان باید درست بکند، غرب به انسان کاری ندارد. غرب به طیاره کار دارد و اینطور چیزها، انسان زارو به تباهی دارد می برد. دارد انسان را وحشی بار می آورد، یعنی آدمکش، بالاتر وحش، آن است که بیشتر آدم می کشد، بیشتر حیوان می خورد. غرب دارد انسان را وحشی بار می آورد. آن وحشی که آدمخوار است، آدمکش است، آدمکش بار می آورد.

اسلام انسان را محب آدم بار می آورد. به آدم عطف می دهد. آنجائی هم که اسلام جنگ کرده و اشخاص فاسد را از بین برده، برای عطف به جامعه است، آنها مفسد بودند. فاسدها را از بین می بردند برای اینکه این غده سرطانی برود از بین، این جامعه درست بار بیاید. همه اش عطف است ما که این چند نفر فاسد را می گوئیم باید بکشند برای اینکه غده سرطانی مفسدند، فاسد می کنند این جامعه را و فاسد کردند این جامعه را، حالا که این فاسدها و مفسدها را دارند می کشند، صدای غرب

درآمده است که چرا این فاسدها را می‌کشند، اینها دوستان ما هستند، خوب، ما برای همین می‌کشیم
آنها را. اینها از ما هستند، اینها به ما خدمت کردند، اینها هیاهو درمی‌آوردند به اینکه خدمتگزارهای ما
را چرا می‌برید از اینجا، ما روی همین زمینه که خدمتگزارهای شما هستیم و برخلاف ملیت ما عمل
کردند، برخلاف اسلام عمل کردند، آدم کشند، روی این منظور است که ما آنها را، جزای آنان را به
آنها می‌دهیم. آن روزی که امثال مرحوم مطهری را می‌کشند، یک کلمه حرف نیست که چرا کشتید، یک کلمه
هویدا. را وقتی می‌کشند داد می‌زنند، این مجلس سنای امریکا اینقدر فریاد کرد. برای اینکه آدمکش‌ها،
از آنها باید پرسید که آمار این آدم‌کشی‌ها که ما کردیم، کو؟ سوابقشان را هم بگویید. نمی‌گویند آنها،
آنها بله خیر خواه امت هستند، خیر خواه مردم هستند، دوست هستند، حقوق جامعه را می‌خواهند حفظ
کنند، طرفدار حقوق بشرند. از این الفاظ لایمعی که باز یک قدری از این الفاظ فاسد در ایران هم
هست باز، طرفدار حقوق، این الان در اینجا هم هست و ما نصیحت به اینها کردیم که بابا شما حسابتان
را از ما جدا بکنید، آنها حقوق بشر را نمی‌خواهند، ملاحظه بکنند آنها طرفدار ابر قدرت‌ها هستند
ولهذا می‌بینید که این بشری که با دست اینها تقریباً چند صد هزار، حالا چند صد هزار را نمی‌دانم، چند
هزار نفر را از ما کشتند. ۱۵ خرداد می‌گویند ۱۵۰۰۰ کشته شده است، از ۱۵ خرداد تا حالا شاید
دویست هزار تا یا بیشتر کشته دادیم، زخمی الی ماشاء الله، این طرفدارهای حقوق بشر نمی‌گفتند که
آخر چرا؟ چرا دارد اینجور می‌شود؟ نمی‌گفتند چرا حالا که ما اینهایی که آدم کشند، فساد کردند، به
تباهی کشتاندند مملکت ما را چهار تا از آنها را داریم در دادگاه‌ها بعد از رسیدگی، بعد از شهادت
شهود، بعد از اقرار خودشان، به جز ایشان می‌رسانیم حالا فریاد، داد طرفداران حقوق بشر بلند شده،
این طرفداران حقوق بشر را بشناسند مردم که اینها چه مردمی هستند اینها طرفدار کی هستند و این
طرفداران حقوق بشر خودمان توجه کنند به این مسائل که اینها چه اشخاصی هستند و برای چه این
کارها را می‌کنند.

تداوم نهضت، تا تحقق حکومت اسلام و قرآن

در هر صورت ما الان احتیاج به شماها داریم به همه داریم، بیشتر از سابق، اینکه می‌گوییم
بیشتر از سابق برای این است که بیشتر همه مردم توجه داشتند به اینکه این رژیم سرود و مایک
حکومت عدل داشته باشیم. همه توجهشان یک جا بود، هیچ توجه به اینکه ما امشب وقتی برویم منزل
ناهار، شام، چه بخوریم نبود در کار، هیچ این مطلب نبود، یا حقوق من کم یا زیاد است. در این حال
انقلابی که همه داشتیم می‌رفتیم جلو، نه من به فکر این بودم که حالا بعد از اینکه شب شد چه باید کرد
نه شما در فکر این بودید که حقوقتان کم است، زیاده، اینها اصلاً مطرح نبود، چون مطرح نبود و همه هم

به اینکه حالا ما حقوقمان چیست، خانه نداریم، زندگی نداریم، حقوق چطور است، درجه چطور است، این حرف‌ها حالا پیش آمده است، از این جهت الان توجه باید بیشتر به نهضت باشد، یعنی فعالیت بکنید که مردم را متوجه به نهضت بکنید برای اینکه ما بین راه هستیم نرسیدیم به مقصد، ما باز محتوای جمهوری اسلامی را در ایران پیاده نکردیم، مقصد ما این بود که اسلام، سرتاسر ایران اسلام باشد، حکومت مال اسلام باشد، تا حالا نشده، البته یک مقدار راه را جلو رفتیم لکن مانده است، راه زیاده است، حالا وقتی است که همه با هم باشیم، همه توجهمان به مقصد باشد و اینقدر بهانه‌گیری برای اینکه حالا حقوق من کم است، انشاء الله زیاد می‌شود یا خانه نداریم، انشاء الله خانه پیدا می‌کنیم، زراعتمان چطور است، زراعت پیدا می‌کنیم. اما باید حالا همانطوری که در آن قدم‌های اول فراموش کردید همه اینها را، نه کارگر متوجه این بود که من مزد کم است یا زیاد و نه کشاورز متوجه این بود که امسال کشاورزیش چطور است همه متوجه یک مقصد بودند لکن عمل شد و خوب شد، از حالا به بعد هم باید همین معنی را ادامه بدهیم، همین توجه به مقصد را ادامه بدهیم، همین الوهیت را حفظ کنیم، یعنی قصدمان را برای خدا و برای جمهوری اسلام و برای احکام قرآن بکنیم تا عنایت خدا محفوظ باشد و دست لطف الهی بالای سر همه باشد و انشاء الله اگر این مطلب بشود، پیروزید و مملکتمان انشاء الله مال خودتان، و خودتان اداره‌اش می‌کنید، همه دست‌ها هم منقطع خواهد شد ولی عمده همین معناست که این معنا را حفظ بکنیم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می‌خواهم و سعادت این ملت که شما هم از این ملت هستید و خداوند همه شما را تأیید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته